

۱۱ جولای روز جهانی علیہ سنگسار



۱۱ جولای روز جهانی علیہ سنگسار

گفتگو با مینا احدی

صفحه ۳

منصور حکمت و کمونیسم سیاسی

حمید تقوایی

صفحه ۴

یکی بزنی دو تا می خوری / نسلی که آتنا می شود!

سیامک بهاری

صفحه ۵

شش ماه پس از جنایت سرنگونی پرواز ۷۵۲ خانواده ها داد خواهند!

حسن صالحی

صفحه ۶

دور جدید اعتراضات بازنشستگان

شبهلا دانشفر

صفحه ۷

برنامه ای بمناسبت ۱۱ ژوئیه روز جهانی علیہ سنگسار

مینا احدی

صفحه ۱۴

از مدیای اجتماعی

آخرین نوشته حامد اسماعیلون

صفحه ۱۴

اطلاعیہ ها

خلاصہ ای از آخرین اخبار کارگری!

صفحه ۹

راهپیمایی کارگران نیشکر هفت تپه در خیابانهای مرکزی شوش

صفحه ۹، ۱۳

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۸۷۶

جمعه ۲۰ تیر ۱۳۹۹، ۱۰ جولای ۲۰۲۰

بیماری کرونا در سراسر کشور در حال اوجگیری است حکومت همچنان دروغ میگوید



شده اند و تعداد قابل توجهی جانشان را از دست داده اند. طبق آمار مراکز پزشکی فقط در هرمزگان حداقل ۹۳۴ نفر و در فارس ۴۰۰ نفر از کادر درمانی به کرونا مبتلا شده اند.

اما مقامات متعددی از حکومت در ماههای گذشته اعتراف کرده اند که این آمار واقعی نیست و تعداد مرگ و میر چندین برابر بیشتر از آمار دروغ حکومت است. محمدعلی محسنی‌بندی نماینده مجلس حکومت اخیراً گفته است: "آمار وزارت بهداشت پایین‌تر از تعداد واقعی قربانیان است. ما در برخی از روزها ۳۰۰ کشته نیز از کرونا داشتیم. اگر می‌بینید آمارهای اعلام شده پایین‌تر از تعداد واقعی است به خاطر این است که کسانی که در منزل و یا در مسیر انتقال به بیمارستان فوت شدند در این آمار درج نشده است."

وزارت بهداشت جمهوری اسلامی تعداد مرگ بر اثر کرونا را ۱۱ هزار و ۹۳۱ نفر اعلام کرده و گفته است که بیش از نیمی از کشور یعنی استان‌های خوزستان، هرمزگان، بوشهر، کرمانشاه، کردستان، ایلام، آذربایجان‌های غربی و شرقی و خراسان رضوی در وضعیت قرمز و استان‌های تهران، اصفهان، مازندران، گلستان، البرز، کرمان، یزد، سیستان و بلوچستان، همدان، زنجان و اردبیل در وضعیت هشدار قرار دارند. به گفته مقامات حکومت، کرونا بار دیگر در کشور اوج گرفته و در یک روز گذشته ۲۰۰ نفر جان باخته اند. تنها در تهران در یک روز گذشته طبق آمار حکومتیان ۷۰ نفر بر اثر ابتلا به کرونا جانشان را از دست داده اند. طبق گزارشات پراکنده ارگانهای حکومتی هزاران کادر درمانی به کرونا مبتلا

ادامه در صفحه ۲

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

از صفحه ۱

بیماری کرونا در سراسر کشور در حال اوجگیری است...

آمارها در نظر گرفته نشده‌اند.

این اعتراف فقط یکی از موارد پنهانکاری و دروغگویی حکومت را در بر میگیرد یعنی کسانی که خارج از بیمارستان میمیرند جزء آمار حکومت به حساب نمیآیند. بسیاری از افرادی که در ماههای اخیر جانشان را از دست داده‌اند نیز دلیل مرگ آنها بیماری دیگری اعلام شده است تا آمار مرگ و میر ناشی از کرونا مخفی بماند. تلاش کردند جلو هرگونه خبرسانی کادر درمانی را بگیرند از جمله سخنگوی نیروهای مسلح رژیم در اردیبهشت ماه اعلام کرد که "۳۶۰۰ نفر از افرادی که درباره شیوع ویروس کرونا «شایعه‌سازی» می‌کردند، به دست نیروی انتظامی و بسیج بازداشت شده‌اند". اینها جرمشان این بود که گوشه‌هایی از حقایق مربوط به کرونا و مشاهدات خود از وضعیت وخیم و بی امکاناتی بیمارستان‌ها را به اطلاع مردم رسانده بودند.

سیاست حکومت علاوه بر دستگیری این ۳۶۰۰ نفر، اخراج صدها پرستار، عدم

پیشگیری از جمله برای کارگران شهرداری و دهقا اقدام ضد انسانی دیگر سیاست حکومت در این دوره بوده است. آنوقت مقامات با وقاحت و بیشرمی مردم را سرزنش میکنند و آنها را مقصر گسترش بیماری جلوه میدهند. مردمی که برای نقد کردن همان حقوق چندرغاز مجبورند هر روز تجمع کنند و خود را به خطر بیندازند. علیه نپرداختن حق بیمه توسط کارفرماها اعتراض کنند که باعث شده حتی استفاده از بیمه درمانی هم برایشان عملی نباشد. حکومت همان سیاست جنایتکارانه‌ای را ادامه میدهد که از اول اعلام کردند یعنی ابتلای گله‌ای به کرونا و مرگ یکی دو میلیون انسان. این وضعیت حتی سر و صدای تعدادی از مقامات بیمارستان‌ها را نیز درآورده که هشدار میدهند کادر درمانی فرسوده است و سیستم خدمات درمانی در حال در هم شکستن است.

ما بارها گفته ایم که حکومت همدست کرونا است و سیاست‌های اخیرش نیز بیش از پیش همین را آشکار میکند. راه مقابله با سیاست‌های ضد مردمی حکومت نیز گسترش اعتراضات و اعتصابات است. گسترش اعتراض سی میلیون مردم گرسنه علیه حکومتی است

که همچنان مشغول دزدی و سرکوب و به کام مرگ فرستادن مردم است. کرونا نه فقط دارد وسیعاً قربانی میگیرد و هزاران نفر را به کام مرگ میکشد، بلکه زندگی زندگان را نیز دچار ناامنی و بی‌تامینی و مشکلات غیر قابل‌توصیفی کرده است. بسیاری از افراد روزه‌های تنگ تامین معاش فقیرانه‌شان را هم از دست داده‌اند. اولین و مهمترین کاری که در برابر کرونا باید کرد این است که با صدای رسا اعلام کنیم که حکومت موظف است نه فقط امکانات درمانی کافی در اختیار همه قرار دهد، بلکه باید زندگی همه شهروندان را تامین کند. خواست حقوق

پایه و تامین معیشت مردم، درمان رایگان، تخصیص بودجه و تخصیص تجهیزات لازم به بیمارستان‌ها و کادر درمانی، استخدام صدها هزار پرستار و کادر درمانی و گسترش امکانات درمانی، آزادی زندانیان سیاسی و صدها هزار زندانی دیگر، تعطیل مراکز تولیدی که در شرایط کنونی حیاتی نیستند، تعطیل پادگانها و سایر خواست‌هایمان را باید همه جا فریاد بزنییم و جنبشی حول همه خواست‌هایمان به راه اندازیم.*

حزب کمونیست
کارگری ایران
۱۷ تیر ۱۳۹۹
۷ جولای ۲۰۲۰

دسته جمعی در هر محله تصمیم بگیریم و
متحدانه از پرداخت قبض‌ها خودداری کنیم!

#مجمع_تمیپردازم



میلیون‌ها نفر قبض‌ها را نمیپردازند.

شما هم نپردازید!

۱۱ جولای روز جهانی علیه سنگسار گفتگو با مینا احدی



انترناسیونال: فردا روز شنبه یازدهم جولای روز جهانی علیه سنگسار است، شما به عنوان مسئول کمیته بین المللی علیه سنگسار روز 11 جولای را به این عنوان برگزیدید، چرا؟

مینا احدی: یازده جولای روز سنگسار شدن مریم ایوبی در ایران است. مادر دو کودک که به اتهام رابطه جنسی خارج از ازدواج سنگسار شد. اینکه در دنیا یک روز را بعنوان روز جهانی علیه سنگسار اعلام کنیم، خود یک واقعه سیاسی مهم است. چرا که متأسفانه نهادهای بین المللی و سازمان ملل و دولتهای غربی و همه دولتها در دنیا هنوز هم اهمیت و جایگاه سنگسار در سرکوب و پس راندن زنان و جامعه را نفهمیده و این وحشیگری را بعنوان فرهنگ و عقاید مردم و یا در بهترین حالت عقاید افراطی یک عده به دنیا میفروشند. در حالیکه سنگسار با قدرت گرفتن جنبش اسلامی در بسیاری از کشورها پراتیک شد و گرنه همین مردم در ایران و یا در افغانستان با همان فرهنگ موجود خود صد سال پیش کسی را سنگسار نمیکردند. پس مبارزه با این سیاست و

جریان و حزب سیاسی هستیم که از روز اول در مورد مشقاتی که حکومت اسلامی بر مردم تحمیل کرد، در همه عرصه ها حرف داشتیم و مبارزه میکردیم. کمیته بین المللی علیه سنگسار در سال ۲۰۰۱ تاسیس شد و قبل از آن هم ما در هر مورد اعلام حکم سنگسار در ایران بر علیه هر کس، زن یا مرد و یا همجنسگرایان همواره

اعتراض میکردیم و کمپین سازمان میدادیم. شماره تلفن من در زندانهای حکومت اسلامی دست به دست میگشت، و هر کس محکوم به اعدام و یا سنگسار میشد کسی بود که در گوشش زمزمه کند، اگر میخواهی نجات پیدا کنی با اینها تماس بگیر. و سجاد فرزند سکینه محمدی آشتیانی این شماره را پیدا کرده بود و بمن زنگ زد و گفت باید کمک کنید مادرم را سنگسار نکنند. این یک واقعه تکان دهنده است که فرزند یک نفر برای نجات مادرش از سنگسار مبارزه کند در همین مورد باید فیلم ساخت، در مورد پسر جوانی که واقعا از جان مایه گذاشت و در نهایت مادرش را نجات داد. بهر حال کمپین با قول دادن من به او که هر کاری که بتوانیم بکنیم، انجام میدهیم و با نامه سجاد و خواهرش سعیده آغاز شد و یک واقعه جهانی شد. همه در سراسر دنیا فکر میکنم اسم سکینه محمدی آشتیانی را شنیدند و عکس او یکی از معروف ترین عکسها در دنیا شد. صدها و صدها شخصیت بین المللی از او دفاع کردند، دولتها تحت تاثیر این فضا وارد شدند و حکومت اسلامی

زیر فشار خرد کننده ای قرار گرفت و بالاخره زانو زد.

انترناسیونال: آیا حقیقت دارد که صدا و سیما فیلمی در رابطه با فعالیتها و زندگی شما به عنوان تروریست تولید کرده و در چند نوبت اقدام به پخش آن کرده است؟

مینا احدی: حکومت اسلامی در طول این کمپین هر آنچه در چنته داشت بکار برد، تا بتواند دوباره زنان و مردان را سنگسار کند. یکبار سکینه را بردند تلویزیون تا علیه خودش و من حرف بزند، یکبار دو خبرنگار آلمانی را که جرمشان این بود که میخواستند با سجاد و جاوید هوتن کیان وکیل سکینه مصاحبه کنند گروگان گرفت و آنها را آورد تلویزیون علیه خودشان و من حرف زدند. و در نهایت گروه مرصادشان یک فیلم ساخت با عنوان مینا احدی کیست. که در آن با اشاره به پیشمرگ بودن من و حضور چند ماهه همسر قبلی من اسماعیل یگانه دوست در کردستان بعنوان پیشمرگ، ما را تروریست نامید و گفت مینا احدی تروریست است. این حکومت با زدن این اتهام میخواست در قبال دو خبرنگار آلمانی، استرداد مرا از دولت آلمان تقاضا کند. نفس مطرح شدن این خواست با عکس العمل شدید هییت آلمانی در ایران مواجه شد و در نهایت احمدی نژاد رییس جمهور وقت حکومت اسلامی گفت وستروله وزیر امور خارجه آلمان باید در مقابل دوربین با او دست بدهد و هییت آلمانی قول دهد فعالیتهای من در آلمان را محدود کند و سپس

خبرنگاران آزاد شدند. دو خبرنگار هم در تلویزیون حکومت اسلامی گفتند به محض رسیدن به آلمان علیه من شکایت میکنند. که وقتی رسیدند آلمان زنگ زدند و ابراز ناراحتی کردند که تحت فشار اصلا تلویزیون رفتند و یکی از آنها کتابی نوشت و همه حقایق را گفت.

انترناسیونال: انعکاس خبر صدور حکم سنگسار سکینه محمدی آشتیانی از روز اول تا روز آزادی اش در مدیا و رسانه های عمومی و واکنش مردم در سایر کشورها چگونه بود؟ شما صدها مصاحبه با رادیو تلویزیون های مطرح و روزنامه های پرتیراژ در جوامع غربی داشتید لطفا برایمان بیشتر توضیح دهید.

مینا احدی: بله کمپین سکینه جهانی شد چرا که تقریبا همه رسانه های مهم و غیر مهم دنیا در مورد او نوشتند. در امریکا و اروپا و کانادا و استرالیا و کشورهای عرب زبان و در آسیا و در همه جا، رسانه ها مسابقه گذاشته بودند که در این مورد بنویسند. یک موضوع در طول هفته ها در صدر اخبار دنیا بود. و آبی سرنوشت یک زن سکینه و فعالیتها و فراز و نشیبهای این کمپین بود. تقریبا همه دولتها در این مورد آن حرف زدند. در برزیل این موضوع به یک اتفاق مهمی انتخاباتی تبدیل شد و در ایتالیا در یک فستیوال فیلم کنفرانسی جانبی در ونیز تشکیل شد. در مورد سکینه محمدی آشتیانی و یا در هالیوود، بسیاری از چهره ها در این مورد حرف زدند. من

ادامه در صفحه ۸

**برای برپائی و ساختن جامعه ای شاد و مرفه به
حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید.**

منصور حکمت و کمونیسم سیاسی

حمید تقوایی



(این نوشته بر مبنای سمیناری تحت همین عنوان تدوین شده است. بخش‌هایی خلاصه شده اند و پاراگراف‌هایی اضافه شده است.)

مناسبت این سمینار هجدهمین سالگرد درگذشت منصور حکمت است. هجده سال است که او را از دست داده ایم و هر سال در سالگرد درگذشتش او را بزرگ می‌داریم و درباره نقش برجسته اش در جنبش کمونیستی و نظرات و دستاوردهایش صحبت می‌کنیم. در این سمینار قصد من توضیح خصلت سیاسی کمونیسم منصور حکمت است.

ممکن است در نگاه اول سیاسی بودن کمونیسم بدیهی به نظر برسد. واضح است که کمونیسم مستقیماً به سیاست مربوط است و خصلتی سیاسی دارد ولی همانطور که کمونیسم کارگری هم یک بدیهیت است و با این حال صفت کارگری لازمست تا کمونیسم واقعی را از انواع کمونیسم‌های بورژوائی جدا کند، کمونیسم سیاسی هم در تمایز از کمونیسم‌هایی مطرح میشود که ایدئولوژیک و فرقه ای و مکتبی اند. البته اگر نظرات و خط و سیاستی که مارکس مطرح کرد و در مانیفست کمونیست بیان شده و احزابی مثل بلشویکها در روسیه نمایندگی میکردند ادامه می

نوع کمونیسمی صفت سیاسی را بکار میبریم؟ کمونیسم کارگری در تمایز از کمونیسم‌هایی بود که به طبقه کارگر متعلق نبودند، غیر کارگری بودند، کمونیسم نوع چینی، نوع روسی، کمونیسم چریکی و غیره. کمونیسم سیاسی در تمایز از کمونیسم‌های فرقه ای، ایدئولوژیک و مکتبی، کمونیسم‌های مبتنی بر صرفاً عقیده و موضعگیری و مرزبندی تعریف میشود. این نوع کمونیسم‌های غیرسیاسی هم جزئی از جنبشها و شاخه های مختلف کمونیسم غیر کارگری هستند و در جنبش ناسیونالیستی چپ ریشه دارند ولی در این بحث من وارد این جنبه نمی‌شوم و سعی میکنم غیر سیاسی بودن فرقه های ایدئولوژیک را با نشان دادن و بی ربط بودن آنان به مبارزه طبقاتی در عرصه های مختلف باز کنم و توضیح بدهم.

منصور حکمت اولین بار در سال ۹۹ در نوشته ای تحت عنوان "حزب و جامعه: از گروه فشار تا حزب سیاسی" نقد خود را از کمونیسم‌های فرقه ای- ایدئولوژیک مطرح میکند. منظور او از گروه فشار "فرقه های عقیدتی" و "محافل فکری" هستند که قدرت سیاسی و "تاثیر گذاری بر معادلات قدرت" در یک جامعه بر نظر و عملشان حاکم نیست. غیر اجتماعی و بی ربطی به تحولات سیاسی زنده در جامعه نیز یک خصوصیت دیگر چنین نیروها ئی است. این ویژگی را نیز منصور حکمت با استعاره "کاهنان سرخپوش معبد تاریخ" بیان و نقد میکند.

منظور از کمونیسم غیرسیاسی چنین فرقه ها و محافلی هستند. کمونیسم کارگری، کمونیسم منصور

حکمت، اساساً در تمایز از شاخه های مختلف کمونیسم بورژوائی و در نقد عمیق آنها خود را تعریف میکند و کمونیسم عقیدتی- مکتبی خود شکل معین و متاسفانه رایجی از کمونیسم غیرکارگری در زمانه ما است. شاخه های سیاسی و اجتماعی کمونیسم بورژوائی نیز وجود دارند (کمونیسم چینی و روسی دو نمونه بارز کمونیسم‌های غیر کارگری اما سیاسی و اجتماعی هستند). بعبارت دیگر هر نیروی کمونیسم بورژوائی لزوماً غیر سیاسی و مکتبی نیست ولی هر کمونیسم مکتبی ای قطعاً به کمپ کمونیسم بورژوائی متعلق است.

درک متافیزیکی کمونیسم مکتبی از مبارزه طبقاتی

اولین وجه تمایز کمونیسم سیاسی و غیرسیاسی درک و تلقی و تبیین آنها از یک پدیده و مقوله پایه ای یعنی از مبارزه طبقاتی است. کمونیسم سیاسی از نظر متدولوژیک و در نحوه ای که مبارزه طبقاتی را می بیند و تبیین میکند و بر آن مینا مبارزه و فعالیت میکند کاملاً از کمونیسم غیر سیاسی و مکتبی که او هم معتقد است طبقه کارگر را نمایندگی میکند متمایز است. یک خصیصه کمونیسم‌های مکتبی اینست که بقول منصور حکمت "دوز بالائی" از آگاهی و وقوف به طبقاتی بودن مبارزه را وارد مبارزه طبقاتی میکنند. گویا طبقات و بطریق اولی فعالین و اکتیویستها و توده مردمی که در مبارزه درگیرند میدانند که مشغول مبارزه طبقاتی هستند. بر این امر آگاهند که دارند با طبقه مخالف خود می‌جنگند. و بدون این آگاهی و وقوف مبارزه کنندگان، مبارزه طبقاتی نخواهد بود. با

این درک، مارکسیسم بعنوان علم رهایی طبقه کارگر و نظریه ای که مبارزه طبقاتی را تبیین کرده و نشان داده تاریخ جوامع بشری تاریخ مبارزه طبقاتی است و غیره تبدیل میشود به پیش شرط مبارزه طبقاتی! به نحوی که گویا قبل از اینکه مارکس از مبارزه طبقاتی صحبت کند در تاریخ چنین مبارزه ای وجود نداشته است!

این متافیزیسمی است که گمان میکند یک پدیده با آگاهی بر آن موجودیت پیدا میکند. اگر شما مواضع کمونیسم‌های غیر سیاسی را در برخورد به اوج مبارزه طبقاتی یعنی به انقلاب بررسی کنید می‌بینید انقلاب تبدیل میشود به مبارزه بین چپها و غیر چپها، بین کمونیستها و غیر کمونیستها، یا بین پیروان مارکس و مخالفین مارکس. گویا اولاً قبل از مارکس انقلابی وجود نداشته است و ثانیاً بعد از مارکس هم تنها تحولی شایسته نام انقلاب است که رهبرش مارکسیستها باشند. گویا مارکس گفته است انقلاب پدیده ای است تحت رهبری پیروان من! و اگر چنین نباشد تحول هر اندازه هم که زیر و روکننده باشد انقلاب نیست.

انقلاب خود یک نقطه اوج و یا بروز خیلی آشکار مبارزه طبقاتی است. و کسی که با درک ذهنی از مبارزه طبقاتی آگاهی را به پیش شرط تبدیل میکند، در برخورد به انقلابات به پاسیویسم کامل منجر میشود. یک پدیده عینی را چون با ذهنیاتشان منطبق نیست و با معیارهای ذهنیشان خوانائی ندارد رد میکنند و نمی‌پذیرند و در نتیجه نقش و وظیفه ای نیز برای خود قائل نیستند. در

یکی بزنی دو تا می خوری نسلی که آتنا می شود! سیامک بهاری



بازنشستگان، جمهوری اسلامی و میراث متعفنش را به مصاف نهایی می طلبد! پاسخ دندان شکن آتنا بسرعت به پرچمی برای نشان دادن عزم جامعه بدل می شود!

«من امروز باید بعد از پنج سال آزاد می شدم؛ اما همه می دانند تا زمانی که جمهوری اسلامی هست همه جای ایران زندان است؛ اما من آزادم، آنقدر آزادم که مدام فکر می کنند با دادن حکم جدید می توانند من را زندانی کنند! اما برای من این احکام خنده دار است؛ حتی همان شلاق!

من برای مردمی که آبان ۹۸ کشته شدند عزاداری کردم، اتهام زدند که در محرم بزنی و برقص کردم! بله من برای مظلوم های عزاداری می کنم و شلاقش رو هم خواهم خورد، نوش جان آن کسی که می خواهد این شلاق را بزند؛ چون همیشه گفته اند یکی بزنی دو تا می خوری!

اینها يك عمر است که دارند مردم را شلاق می زنند و این شلاق در برابر آن همه گلوله ای که در این ۴۰ سال در قلب و مغز آدمها رفته و کشته، چیزی نیست. فدای سر خانواده های کشته شده ها. آنقدر این دادگاه های فرمایشی و این حکم و احکام دیگری که برای ما صادر کردند و می کنند، مسخره است که حتی به آن اعتراض هم نخواهم کرد که وقت داشته باشند برای پرونده های دیگری که

در بزنگاهی که قرار است دوران حبس آتنا دائمی در زندانهای حکومت اسلامی به پایان برسد، بازجویان اطلاعات سپاه و وزارت اطلاعات سراسیمه پرونده های دیگر با شکایتی مضحک می سازند. ۷۴ ضربه شلاق را هم ضمیمه دوسال زندان می کنند تا بلکه بتوانند هم او را در زندان نگهدارند و هم نیش شلاق را به جامعه نشان دهند. زهی خیال باطل!

آتنا دائمی دختر جوان ۳۲ ساله، که بیش از شش سال است گروگان جمهوری اسلامی است، با استقامتش، با نبردش، با پیامش، بسیار فراتر از یک فرد و شخص، به یک پدیده تأثیر گذار بدل شده است. او راه نشان می دهد و رهبر می شود! همه دستگاه سرکوب و بگیر ببند یک حکومت وحشی و درنده را با چند جمله به سخره و چالش می گیرد. قدرت آتنا اما نه در نادر بودنش که در همه گیر بودن او است! آرش صادقی، سهیل عربی، سپیده قلیان، محمد حبیبی، زینب جلالیان، سهیلا حجاب و . . . سلسله بی پایانی از مقاومت و ایستادگی، پیام روشنی دارند! "یکی بزنی دو تا خواهی خورد!" اینک این جمله طلایی به بارومتر روحیه رزمنده جامعه بدل شده است! این پاسخ رزمنده از سلولهای خونین بازجویی تا کف خیابانها، از سنگر اعتصاب هفت تپه و خیابانهای شهر شوش تا اعتراض

در بزنگاهی که قرار است دوران حبس آتنا دائمی در زندانهای حکومت اسلامی به پایان برسد، بازجویان اطلاعات سپاه و وزارت اطلاعات سراسیمه پرونده های دیگر با شکایتی مضحک می سازند. ۷۴ ضربه شلاق را هم ضمیمه دوسال زندان می کنند تا بلکه بتوانند هم او را در زندان نگهدارند و هم نیش شلاق را به جامعه نشان دهند. زهی خیال باطل!

آتنا دائمی چهره شناخته شده ای نه تنها در میان زندانیان سیاسی در ایران که در سطح بین المللی است. از نوجوانی پا در راه دفاع از حرمت و کرامت انسان گذاشته است. مانند هم نسلانش از ابتدای کودکی شلاق ارتجاع حکومت اسلامی را خورده است. بارها و بارها پوزه جمهوری اسلامی را از خیابان تا اتاق بازجویی به خاک مالیده است!

هر بار در برابر حکمی که برایش تراشیده اند رزمنده تر از پیش همه بساط سرکوب جمهوری اسلامی را به سخره گرفته است! قاضی های خونریزی چون مقیسه، عموزاده و علی بابایی، یکی پس از دیگری توسط او



می خواهند برایم باز کنند. من امروز آزادم چون آزادی به آن طرف میله ها بودن نیست و هر یک حکم جدید، یعنی تأیید آزادی من! هستم تا زنده ام.

آتنا دائمی - زندانی

سیاسی - زندان اوین» آتنا بارها و بارها وحشت جمهوری اسلامی و ضعف و زبونیش درمقابل با مقاومت زندانیان سیاسی را علنی منتشر کرد. در اولین هجوم برای دستگیری در سال ۹۵ شجاعانه نوشت:

«امروز ۶ آذر ۹۵ به خانه مان هجوم آوردند، نه در حال تجاوز به دانش آموزان بودم و نه در حال اختلاس و صدور حکم قتل و نه فراری، بلکه فقط خواب بودم! پدر و مادرم مسافرت بودند... در را باز کردیم و حکم خواستیم، حکمی نشان ندادند، گویی برای بازداشت یک جنایتکار فراری آمده بودند و به داخل خانه حمله کردند. مجدد از آن ها حکم خواستم که به سویم حمله کردند. زنی که شرم دارم نام او را زن بگذارم، اقدام به ضرب و شتم من کرد، وقتی خواهر کوچکترم دخالت کرد به سینه او هم کوبید.

مأموران قرارگاه ثارالله سپاه پاسداران در برابر اصرار به نشان دادن حکم رسمی، به بازداشت با استفاده از گاز فلکل در برابر یک زن بی سلاح و بی دفاع اقدام کردند و پس از بازداشت و در حین انتقال نیز مرتباً تهدید کردند که پرونده جدیدی برایم خواهند ساخت...» "او از این تاریخ به بعد چون گروگان، با سلسله ای از پرونده سازی و پاپوش دوزی دم و دستگاه امنیتی روبه رورشد.

زندان و اتهامات

برای آتنا دائمی هفت پرونده با شکایت رئیس بند، بهداری زندان، اطلاعات سپاه، وزارت اطلاعات و یا مراجع قضایی و به عناوین مختلف ساخته اند. او شانزده ماه از اولین روز دستگیری اش از ۲۹ مهرماه ۱۳۹۳ به مدت ۸۶ روز در سلول انفرادی بند ۲ الف تحت بازجویی و در بازداشت موقت به سر برد و با حکم قاضی مقیسه با هم پرونده ای هایش امید علی شناس، ناسو رستمی و علی نوری فعالین دفاع از حقوق کودکان، به اتهام "تبلیغ علیه نظام، اجتماع و تبانی علیه امنیت، توهین به

ادامه در صفحه ۸

حکومت اسلامی ضد زن نابود باید گردد



است. در مورد عدم توقف پروازها در شرایط جنگی "غلامعباس ترکی" حرفهایی زده است که با سخنان فرماندهان نظامی جمهوری اسلامی که پیشتر شرایط را در زمان بروز فاجعه صد در صد جنگی اعلام کرده بودند در تناقض کامل است. اضافه کنیم که چند روز پیش هم شبکه سی‌بی‌سی کانادا گزارش داد که به یک فایل صوتی ۹۰ دقیقه‌ای دست یافته که در آن حسن رضایی‌فر، مدیرکل دفتر بررسی سوانح و حوادث سازمان هواپیمایی ایران گفته علت مسدود اعلام نکردن آسمان ایران در شب حمله موشکی سپاه به پایگاه‌های عراقی میزبان نیروهای آمریکایی، این بوده که چنین کاری نقشه این حملات را بر ملا می‌کرده است. ظاهراً حکومت حتی افزایش همین واقعیت را هم تحمل نکرده و رضایی‌فر را از ریاست تیم تحقیقاتی درباره علل ساقط کردن پرواز ۷۵۲ برکنار کرده است.

علت این همه بندبازی و دروغ‌گویی‌های مسخره جمهوری اسلامی این است که میخواهند در برابر چشم دنیا دروغ بگویند و آن اینکه این فاجعه حاصل "خطای انسانی" بوده است. روشن است که دلیل این اتفاق حتی این نبوده است که جمهوری اسلامی از هواپیمای‌های مسافربری بعنوان سپر انسانی استفاده کرده است. این یک جنایت عامدانه بود. جمهوری اسلامی با در نظر گرفتن احتمال قوی حملات تلافی‌جویانه آمریکا هواپیمای مسافربری اوکراینی را سرنگون کرد تا بتواند تقصیر را به گردن آمریکا بیاندازد. یک محاسبه کثیف و جنایتکارانه با قتل عام فجیع

شش ماه پس از جنایت سرنگونی پرواز ۷۵۲ خانواده‌ها داد خواهند! حسن صالحی



شش ماه گذشت. شش ماه پر از درد و رنج و بی‌خوابی و کابوس برای خانواده‌هایی که عزیزان خود را در جریان سرنگونی هواپیمای مسافربری اوکراینی توسط جمهوری اسلامی از دست دادند. جنایتی که عامدانه بود و تلاش جمهوری اسلامی برای کتمان و پرده پوشی حقیقت بیش از اینکه بتواند چیزی را پنهان کند هر چه بیشتر عمدی بودی این جنایت را جلوی چشم همگان گذاشت. اظهارات اخیر "غلامعباس ترکی"، دادستان نظامی استان تهران، در باره این جنایت به جای اینکه روشنگر چیزی باشد نمکی بود که بر زخم عمیق خانواده‌ها پاشیده شد و خشم و نفرت آنها را بر انگیخت. توجیهات سرهم بندی شده این جانی برای اینکه بگویند که این فاجعه جنایت آمیز در اثر "خطای انسانی" صورت گرفته است حتی خودشان را هم قانع نمی‌کند چه رسد به خانواده‌هایی که پاسخ درست و حساسی جستجو می‌کنند. ما از سخنان وی دریافتیم که سامانه پدافندی هوشمندی که جمهوری اسلامی این همه به دقت آن می‌باید، شمال را شمال غربی نشان می‌داده و حدود ۱۰۵ درجه خطا داشته است!!! ما پی بردیم

شک و شبهه ای باقی نمی‌گذارد که سرنگون کردن پرواز PS-752 با دو موشک سپاه پاسداران یک جنایت عامدانه بوده است. در پی این برداشت عمومی بود که مردم بعد از بروز این جنایت در دیماه سال گذشته به خیابانها آمدند و با دادن لقب دروغگو به حکومت، فریاد نابودی جمهوری اسلامی را سر دادند. حکومتی که در ماه پیش از آن ۱۵۰۰ نفر از مردم معترض را در جنبش اعتراضی آبان ۹۸ وحشیانه به قتل رسانده بود. حکومتی که در تمام طول عمرش مظهر مرگ و نیستی بوده است و عامل قتل ده‌ها هزار زندانیان سیاسی و مخالفین خود در ایران و جهان بوده است.

حکومت دروغ گفت و دروغ می‌گوید و مردم طالب حقیقت باید تاوان این دروغ‌گویی‌ها را بپردازند. جمهوری اسلامی به صدور احکام ضد انسانی زندان برای کسانی پرداخت که در مراسم همدردی با خانواده قربانیان هواپیمای اوکراینی شرکت کرده بودند. به این دلیل حدود ۲۰ نفر از دانشجویان دانشگاه سراسری محقق اردبیلی بر اساس حکم اولیه، تویخ و تعلیق شدند. برای "سیاوش نوروزی جعفرلو"، دانشجوی گرافیک دانشگاه شیراز به دلیل اعتراضش به شلیک موشک‌های سپاه پاسداران به هواپیمای اوکراینی با ۱۷۶ ادامه در صفحه ۱۳

۱۷۶ نفر انسان بیگناه. اما این حملات تلافی‌جویانه صورت نگرفت. سناریو بهم خورد. و جمهوری اسلامی حملات موشکی به هواپیمای را انکار کرد. دروغ گفتند. در دروغ‌هایشان بارها این را هم مطرح کردند که خرابکاری و جاسوسی "خارجیان" علت اصلی این "حادثه" بوده است. وقتی با رصد اصابت موشک‌ها به هواپیمای از سوی چند کشور دنیا و همچنین با انتشار ویدئو‌هایی که مردم عادی گرفته بودند حقیقت روشن شد دیگر نتوانستند چیزی را پنهان کنند. به تئوری "خطای انسانی" روی آوردند. اینبار تقصیر را گردن نقص فنی "پدافند" و نه "هواپیما" انداختند. بیشرمانه است ولی حقیقت دارد. دروغ پشت دروغ گفتند. ولی با ارائه هر توجیهی بیشتر دست خود را رو کردند. با گذشت شش ماه از این فاجعه دلخراش هنوز داده‌های جعبه سیاه بررسی نشده است. جمهوری اسلامی بهانه می‌آورد و در این مورد کارشکنی می‌کند. حالا ظاهراً قبول کرده‌اند که جعبه سیاه را برای بررسی به فرانسه بفرستند. قولی که معلوم نیست عملی بشود. بررسی داده‌های جعبه سیاه می‌تواند جنبه‌های مهمی از این جنایت هولناک را روشن کند. ولی حتی بدون این داده‌ها نیز رفتار نفرت‌انگیز جمهوری اسلامی جای هیچ

دور جدید اعتراضات بازنشستگان

شهلا دانشفر



دور جدیدی از اعتراضات بازنشستگان شروع شده و بازنشستگان در صفوف گسترده باردیگر به میدان می آیند. بازنشستگان برای ۲۵ تیر برای تجمع مقابل وزارت تامین اجتماعی در تهران و ادارات آن در شهرهای مختلف فراخوان داده اند. بازنشستگان یک بخش آسیب دیده و چپاول شده جامعه و در عین حال یک بخش رزمنده جامعه هستند و با اعتراضات پیگیر خود نقش مهمی در جلو آوردن خواستههای سراسری ای چون درمان رایگان برای همه، تحصیل رایگان برای تمامی کودکان، افزایش حقوق ها به بالای خط فقر ۹ میلیونی اعلام شده خود دولت و تامین مسکن مناسب برای همه مردم داشته اند. بازنشستگان همچنین یک سنگر مهم اعتراض علیه فقر و فلاکت و تعرضات هر روزه حکومت به زندگی و معیشت کل جامعه، علیه تبعیض ها و نابرابری ها، علیه اختلاس ها و حقوق های نجومی و علیه سرکوبگری های حکومت بوده اند. شعارهایی چون "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست"، "حقوقهای نجومی، فلاکت عمومی"، "اختلاسها کم بشه، مشکل ما حل میشه"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "دولت سرمایه دار، حرف حالیش نمیشه" شعارهای

خصلت نمای مبارزات بازنشستگان است. و اینها شعارهایی هستند چپ و رایکال که در میان بخش های مختلف کارگری تکثیر شده و حلقه اتصال جنبش های اجتماعی علیه کل بساط توحش و بربریت سرمایه داری حاکم است.

بازنشستگان در مبارزات خود بویژه در سالهای اخیر الگوهای عملی خوبی از اعتراضات سراسری و متحد و برپایی تجمعات چند هزار نفره بدست داده اند. با چنین موقعیتی از اعتراض و مبارزه است که اکنون بازنشستگان تامین اجتماعی به تدارک برپایی تجمعی سراسری برای ساعت ۹ صبح روز ۲۵ تیر در مقابل وزارت تامین اجتماعی در تهران و ادارات آن در شهرستانها میروند و برای آن فراخوان داده و همه توجه ها را بخود جلب کرده اند. بازنشستگان تامین اجتماعی در اصفهان در همین هفته در هفدهم تیرماه به استقبال این حرکت اعتراضی رفتند و دست به تجمع زدند. انتظار اینست که فراخوان ۲۵ تیرماه مورد استقبال همه بخش های بازنشستگان و کل جامعه قرار گیرد. از خواستهها و مبارزات بازنشستگان وسیعا حمایت کنیم.

تجمعات اعتراضی بازنشستگان در این چند ماهه دلیل وضعیت سنی و

جسمانی آنها که بیشتر در خطر ابتلا به بیماری مرگبار کرونا قرار دارند، وقفه ای پیدا کرده است. اما در شرایطی که فشار معیشتی بر زندگی بازنشستگان افزایش یافته است، و در شرایطی که فقر و بی تامینی ابعاد فاجعه باری بخود گرفته است، بازنشسته و در واقع کل جامعه برای نجات خود از این وضعیت راهی جز تجمع برپا کردن و تداوم اعتراضاتش ندارد. این چنین است که بازنشستگان جان خود را به خطر انداخته و در تدارک برپایی تجمع سراسری خود برای بیست و پنجم تیرماه هستند.

اعتراض بازنشستگان به حقوقهای چند بار زیر خط فقر و محرومیت از هرگونه تامین است. از جمله کف حقوق آنها تنها دو میلیون و هفتصد هزار تومان تعیین شده است که البته بسیاری از آنان حتی زیر این رقم و بعضا رقمی حدود هشتصد یا نهصد هزار تومان در ماه دریافتی دارند. این درحالیست که قیمت کالاهای اساسی سر به فلک زده و هر روزه افزایش می یابد و قدرت خرید جامعه نیز هر روز پایین تر و پایین تر می آید. بازنشستگان ادامه زندگی در این شرایط را ممکن نمیدانند و به ابعاد فاجعه بار فقر در جامعه و گرانی ها و اینهمه تبعیض و نابرابری اعتراض دارند.

موضوع دیگر اعتراض بازنشستگان محرومیت از بیمه های پایه ای اجتماعی از جمله درمان رایگان و امکان تامین مسکن مناسب است. اینها نیازهای پایه ای حیاتی همه شهروندان در هر جامعه ای است و محرومیت از آنها دغدغه مهم همه مردم است. در این جامعه بی درمانی، بی مسکنی، بی غذایی و گرسنگی دارد هر روزه از مردم قربانی

میگیرد. طبعاً یک بازنشسته که تمام عمرش را کار کرده، امروز بیشترین نیاز را به برخورداری از بیمه های پایه ای اجتماعی دارد و در فقدان آن دارد زیر فشار معیشتی خرد میشود. برای مثال یک معضل بخش بزرگی از بازنشستگان بی خانمانی و یا نداشتن مسکن مناسب است. خیلی از آنها ناگزیر هستند که برای مراقبت و برای داشتن ماوایی از فرزندان و اقوام و نزدیکانشان کمک بگیرند و مسئولیت تامین این نیازها که اساسا بر عهده دولت است، بگردن خود مردم می افتد. بدین ترتیب بیمه های اجتماعی، آن چیزی که در بسیاری از کشورهای اروپایی به یمن مبارزات مردمی به نرم جامعه تبدیل شده است، در ایران یک موضوع مبارزه مردمی است. بطور مثال بازنشسته میتواند از خانه های ویژه ای که مخصوص سنین کهولت طرح ریزی شده استفاده کند و با اتصال مستقیم به بیمارستان و درمان سلامتی اش حفظ شود. در ایران حتی داشتن خود مسکن یک دغدغه جدی برای بازنشسته است.

در عین حال بازنشستگان همواره محکم و استوار در مقابل سرکوبگری های حکومت و امنیتی کردن مبارزات ایستاده اند. یک مثال بارز همبستگی با مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه علیه شکنجه و زندان است که با شعار شکنجه، مستند، دیگر اثر ندارد، در اعتراضاتشان پاسخ سرکوبگری های گستاخانه حکومت را دادند. همچنین بدنبال خیزش مردمی آبانماه با بیانیه های اعتراضی خود و در تجمعات میدانی خود انزجار خود را از سرکوبهای وحشیانه حکومت اعلام کرده و

در جریان تجمعات آنها شعارهای معلم زندانی آزاد باید گردد، زندانی سیاسی آزاد باید گردد همواره درخشندگی داشته است.

بازنشستگان همچنین بر منحل شدن کانون های بازنشستگی حکومتی و بر ضرورت وجودی تشکلهای مستقل خود تاکید دارند. گروههای تلگرامی بازنشستگان که هر کدام چند هزار بازنشسته را در خود جا داده است، خود بستر همگرایی بازنشستگان و رفتن بسوی شورای سراسری اعتراضاتشان است.

و بالاخره یک تاکید بازنشستگان بر بازگشت پولهایی به سرقت رفته از صندوق های بازنشستگی و نظارت خود از طریق تشکلهای نمایندگان منتخب خود بر عملکرد این صندوق هاست.

یک نقطه قدرت بازنشستگان سازمانیافتگی اعتراضاتشان از طریق مدیای اجتماعی و شکل دادن به گروههای چند هزار نفره شان در مدیای اجتماعی است. این گروه ها بطور واقعی بستر سازمانیابی مبارزات بازنشستگان و دخالت حداکثری بدنه بازنشستگان در اعتراضات و متحد شدن آنها حول خواستهها و مطالباتشان بوده است. از این طریق بازنشستگان توانسته اند جریانات سازشکار را تضعیف کنند و خواستههای رادیکال و انسانی را با قدرت نیروی وسیع بدنه بازنشستگان هر روز جلوتر بیاورند. همچنین این گروهها بهترین امکان برای اطلاع رسانی به جامعه، تسری دادن خواستهها و شعارهای رادیکال به بخش های دیگر کارگری و جامعه و جلب همبستگی

از صفحه ۳

۱۱ جولای روز جهانی علیه سنگسار...

روزانه و لحظه به لحظه مصاحبه می‌کردم و این یکی از پر افتخارترین کمپین‌ها در زندگیم بود. جالب این بود برخی رسانه‌ها کمپین گذاشتند و خودشان در حال جمع کردن امضا و یا جمع آوری نامه به سکینه بودند. این کمپین مرزها را در نوردید و درسهای بسیاری برای بشریت داشت.

انترناسیونال: همان طور که اشاره کردید با پیروزی کمپین نجات سکینه آشتیانی جمهوری اسلامی

دیگر جرئت نکرد که اقدام به صدور حکم سنگسار کند، آیا قانونا و رسماً این مجازات وحشیانه را لغو کرده اند یا هنوز در قوانین حکومت وجود دارد؟

مینا احدی: حکومت اسلامی مجبور شد یک سند امضا کند که سنگسار در ایران فریز میشود، یعنی دیگر این عمل وحشیانه انجام نمی‌شود ولی قانون را تغییر نداد. هنوز بعد از ۲۰۱۱ سعی کرد مخفیانه کسانی را سنگسار کند که اعتراض شد و در

نهایت دست برداشت و دیگر کسی را جرات نکرد سنگسار کند. خودشان گفتند برای نظام دردسر و هزینه دارد. واقعیت اینست که دنیا پیا خاست و اتحادیه اروپا مجبور شد دخالت کند، مرا دعوت کردند به مقر اتحادیه اروپا در بروکسل بروم و یک هیئت بزرگ با من نشست داشتند و گفتند فردا می‌روند تهران. از من خواستند بگویم چه می‌خواهیم و گفتند این نشست باید مخفی بماند چون حکومت اسلامی می‌خواهد. و در نهایت سنگسار عملاً ملغی شد.

انترناسیونال: شما طی

یکی دو هفته گذشته فعالیت‌های متنوعی را تا روز یازدهم جولای در دستور گذاشته اید لطفاً به طور مختصر به این اقدامات اشاره کنید

مینا احدی: ما روز شنبه یازدهم جولای یک برنامه داریم که شامل سخنرانی و بررسی این کمپین بزرگ و نشان دادن فیلم و عکس از مجموعه فعالیت‌های خودمان است. خانم پتی دپوینتا فیلمی در مورد کمپین درست کرده اند که نشان خواهیم داد و اصغر کریمی بعنوان یک ستون سازمان دهنده کمپین سخنرانی میکند در مورد ابعاد سازمانی این حرکت و خانم مریم

نمازی بعنوان یک فعال مهم در این کمپین و همچنین نازنین افشین جم پیامی به این کنفرانس داده اند که پخش میکنیم. دو خواننده در این برنامه هستند یک خواننده سوئدی در مورد سکینه آواز می‌خواند و خانم شمیم هنرمند ایرانی ساکن سوئد که دوستش در ایران سنگسار شده آهنگی در مورد سنگسار اجرا خواهند کرد. از همگان دعوت میکنم به این برنامه که لایو از فیس بوک کمپین علیه اعدام و یوتیوب و کانال جدید پخش میشود توجه کنند.*

انترناسیونال: با سپاس از شما

از صفحه ۵

یکی بزنی دو تا می‌خوری...

رهبری، توهین به بنیانگذار جمهوری اسلامی و اختفای ادله جرم "محاكمه و به چهارده سال حبس تعزیری محکوم شد. پس از مدتی با سپردن وثیقه ۵۵۰ میلیون تومان موقتاً بعد از هشت ماه از زندان آزاد شد. سپس بدون ابلاغیه و احضاریه مجدداً روانه زندان گردید. آتنا دائمی پنج اتهام اساسی دارد!

اتهام اول: توهین به مقدسات، به دلیل اینکه به ترانه‌های شاهین نجفی گوش می‌کرده است. این ترانه‌ها را در تلفن موبایل خود نگهداری می‌کرده است. **اتهام دوم:** مجموعه‌ای تحت عنوان اجتماع و تبنانی به قصد برهم زدن امنیت کشور. ۱- تجمع در دفاع از مبارزات مردم کوبانی. آتنا در مقابل این اتهام مضحک صریحاً گفت: «این تجمع مجوز داشت اما من اصلاً در این تجمع شرکت نکردم». ۲- تجمع در مراسم بعد از اعدام ریحانه جباری، آتنا در پاسخ قاضی گفت:

«اصلاً من وقتی ریحانه اعدام شد در سلول انفرادی بودم و اینجا در دادگاه مطلع شدم ریحانه اعدام شده است.» ۳- تجمع و اعتراض به هنگام اعدام ارژنگ داوودی، آتنا در جواب به قاضی گفت: «مگر ارژنگ داوودی اعدام شده؟!» در جریان دادگاه تجدیدنظر، حکم چهارده سال زندان دادگاه اولیه آتنا به هفت سال کاهش یافت و بعد از مجموعه مجازات‌ها به پنج سال حبس قطعی تبدیل شد که می‌بایست روز چهاردهم تیرماه همین سال از زندان آزاد می‌شد.

اتهام سوم: "شعار دادن در زندان، شادی و پایکوبی در ساعت‌های خاموشی". در سال ۱۳۹۷ در اعتراض به اجرای حکم اعدام زانیار و لقمان مرادی و رامین حسین‌پناهی، او به همراه سایر زنان در بند دست به تجمع و اعتراض زد! حکمی که با شکایت مستقیم اطلاعات سپاه و وزارت

اطلاعات بعنوان تجمع و تبنانی در زندان، منجر به دو سال و یک ماه حبس و ۷۴ ضربه شلاق گردید و مانع آزادی او پس از تحمل پنج سال حبس گردید.

اتهام چهارم: "ممانعت از اجرای حکم": هنگامی که پاسداران قرارگاه ثارالله بدون حکم دادگاه به منزل آتنا یورش می‌برند، او از مأمورین می‌خواهد حکم بازداشت را نشان بدهند. آنها به او و خواهرش وحشیانه حمله می‌برند و آنها را کتک می‌زنند. آتنا دائمی از سپاه پاسداران به دلیل «ورود بدون مجوز» شکایت می‌کند که هرگز رسیدگی نمی‌شود.

اتهام پنجم: هفتمین پرونده سازی برای آتنا است. تحصن آتنا با سایر زندانیان سیاسی در حمایت از کشته‌شدگان آبان و خانواده‌های آنان که هنوز به جریان نیافتاده و حکمی برای آن صادر نشده است.

اما وقتی پرونده سازی و زندان توانست او را ساکت کند، آزار و اذیت خانواده به بخش دیگری از نقشه‌های

وزارت اطلاعات بدل شد. مادر و خواهرانش را در تحصن مقابل زندان در بهمن ۱۳۹۶ پس از کشتار دی‌ماه دستگیر کردند! در اعتراض به محکومیت اعضای خانواده‌اش مدت ۵۴ روز در اعتصاب غذا بود.

محروم کردن از دارو و درمان بخش دیگری از شرارت دستگاه امنیتی در زندان بود. او در زندان دچار بیماری ام اس شده است، کیسه صفراى خود را در زندان از دست داده است. مدام از سرگیجه و اختلال بینایی رنج می‌برد. در همین وضعیت او را با اذیت و آزار فراوان از زندانی به زندان دیگر تبعید کردند.

آتنا در دوران کوتاهی که به قید وثیقه بیرون از زندان بود نیز لحظه‌ای دست از مبارزه برنداشت.

با راه اندازی کمپین تحریم برگزاری مسابقات شطرنج با حجاب اجباری در تهران، نامه سرگشاده‌ای به فدراسیون جهانی شطرنج نوشت و تأکید کرد حجاب بخشی از فرهنگ ایرانیان نیست بلکه قانونی‌ست که از

سوی حکومتی مذهبی بر زنان ایرانی و حتی غیرایرانی مستقر در ایران تحمیل شده است. در پیام ویدئویی که برای حمایت از کمپین «پیش به سوی ورزشگاه‌ها» منتشر کرد، شجاعانه گفت: شادی و هیجان حق همه زنان ایرانی است. او در هر بزنگاهی در بدترین شرایط در زندان جسورانه از مبارزات و اعتراضات مردم دفاع کرد. و اینک با انتشار پیام شجاعانه‌اش در برابر پرونده سازی اخیر بار دیگر جمهوری اسلامی را آماج حمله قرار داد و به سخره گرفت.

باید برای آزادی آتنا دائمی دست بکار شد و همه جهان متمدن را علیه جمهوری اسلامی و دستگاه بیرحم قضایی‌اش بسیج کرد. نسل امروز و میلیونها مردم خشمگین و جان به لب آمده و هزاران خانواده مصیبت دیده زندانیان سیاسی آتنا و آناها را سمبل عزم و اراده خود می‌دانند و برای آزادی او بسیج خواهند شد!*

خلاصه ای از آخرین اخبار کارگری!

باز هفته ای دیگر، هفته ای پر جوش و خروش از مبارزات و اعتراضات وسیع در چهار گوشه ایران را پشت سر نهادیم، هفته ای که صدای اعتراضات برحق کارگران شهرداری ها بود، هفته تجمع و اعتراض بازنشستگان، معلمان، هفته تداوم پر قدرت اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه و مارش با شکوهشان بر سنگفرش های خیابان های شوش بود. نگاهی می افکنیم به خلاصه ای از مهمترین اخبار مبارزات کارگری، بر گرفته شده از اطلاعیه های حزب کمونیست کارگری ایران در هفته ای که گذشت.

تجمع اعتراضی بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی در اصفهان

روز سه شنبه ۱۷ تیرماه بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی در اصفهان در اعتراض به تعویق پرداخت مستمری ماهانه خود در مقابل دادگستری تجمع کردند. در این تجمع بازنشستگان فریاد اعتراضشان را علیه فقر، گرسنگی و اختلاس ها بلند کردند و در سخنرانی ها و در شعارهایشان خواسته های خود را با صدای رسا اعلام نمودند. تجمع کنندگان با شعارهایی مثل "مرگ بر دروغگو"، "مرگ بر سالاری"، "وزیر بی کفایت نمیخواهیم، نمیخواهیم"، نسبت به وعده های دروغین حکومتی ها ابراز انزجار کردند و بالاخره اولتیماتوم دادند که اعتراضاتشان از کف خیابان کنار نخواهد رفت.

لازم به یادآوری است که بازنشستگان سراسر کشور برای پیگیری خواسته هایشان برای ساعت ده صبح روز ۲۵ تیر به تجمع در مقابل تامین اجتماعی در تهران و شهرستانها فراخوان به تجمع داده اند. از خواسته ها و اعتراضات بازنشستگان وسیعا حمایت کنیم.

اعتصاب کارگران شهرداری در ۱۱ شهر

اعتراضات کارگران شهرداری ها ابعاد سراسری بخود میگیرد

- روز ۱۶ تیر جمعی از کارگران فضای سبز شهرداری دزفول در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات مزدی خود دست از کار کشیده و در مقابل ساختمان شهرداری این شهر تجمع کردند.

- روز ۱۵ تیر کارگران شهرداری کلاله در استان گلستان در اعتراض به عدم پرداخت ماهها حقوق از طرف شرکت های پیمانکاری پردیس نیرو و پسماند تجمع کردند. بنا بر خبرهای منتشر شده این کارگران بیش از ۸۰۰ میلیون تومان طلب دارند و علیرغم وعده و وعید های داده شده از آغاز سال جاری مزدی نگرفته اند.

- روز یکشنبه ۱۵ تیر، کارگران شهرداری سراوان در استان سیستان و بلوچستان اعتراضشان را نسبت به عدم پرداخت ۲ ماه حقوق و ۵ ماه حق بیمه رسانه ای کردند.

اعتراضات کارگران شهرداری دارد بتدریج ابعاد سراسری ای به خود میگیرد. در هفته جاری این کارگران در ۱۱ شهر کلاله، سراوان، دزفول، بهبهان، اهواز، کوه عبدالله، حمیدیه، بندر لنگه، بوشهر، آبادان و دهدشت بر سر مطالبات مشابهی تجمعات اعتراضی بر پا کرده اند. محور

خواسته های همه این کارگران دائمی شدن قراردادهای پرداخت فوری دستمزدهای معوقه و افزایش سطح حقوقهاست. شرایط کار یکسان این کارگران و مضمون مشترک اعتراضاتشان بستر مناسبی برای ایجاد تشکل سراسری این کارگران و رفتن بسوی اعتصابات گسترده تر است.

اعتراضات کارگران شهرداری، بازنشستگان شرکت واحد، معلمان حق التدریس و چوب اسالم

- روز ۱۵ تیر شماری از کارگران خدماتی شهرداری تبریز، در اعتراض به معوقات چند ماهه بیمه ای خود مقابل ساختمان شورای اسلامی این شهر در محوطه عمارت ساعت تجمع کردند. در کنار دستمزدهای معوقه اکنون حق بیمه کارگران نیز در بسیاری از مراکز کارگری با تاخیر پرداخت میشود و بخش دیگری از چپاول مزد کارگر است. این موضوع باعث مشکل تمدید دفترچه های خدمات درمانی کارگران شده و در نتیجه آنها از همان خدمات درمانی نازل هم محروم میشوند. این مساله آنهم در شرایط بحران کرونا و گرانی اجناس فشار سنگینی بر گرده کارگران وارد کرده است. خواست واقعی کارگران درمان رایگان برای همه است. اعتراضات کارگران شهرداری

علیه دستمزدهای معوقه، قراردادهای موقت برده وار و پرداخت نشدن حق بیمه شان دارد ابعاد سراسری بخود میگیرد. تبریز نهمین شهر است که در طول یک هفته اخیر در رابطه با این موضوعات کارگران شهرداری دست به اعتراض و تجمع زده اند. این اعتراضات را باید گسترش داد و سراسری کرد.

- روز ۱۵ تیر تعدادی از رانندگان بازنشسته شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در اعتراض به پرداخت قسطی و دیرکرد پرداخت سنوات خود دست به تجمع زدند. این کارگران بعد از ۲۰ سال کار باید بازنشسته می شدند و سنوات کاری آنها بر اساس هر یک سال کار، برابر با یکماه آخرین دستمزدشان محاسبه شده و از سوی کارفرما حین تسویه حساب باید پرداخت میشود. اما به علت عدم پرداخت ۴ درصد حق بیمه شان از سوی مدیر عامل شرکت واحد، آنها ماهها در بلاتکلیفی بودند. سرانجام پس از اعتراضات متوالی این کارگران ۴ درصد کسری حق بیمه شان پرداخت گردید و آنها بازنشست شدند. اما حق سنوات آنها بعد از ماهها بازنشستگی هنوز از سوی مدیریت پرداخت نگردیده است و زیر فشار اعتراض کارگران شروع به پرداخت قسطی آن کرده اند که فشار اقتصادی زیادی به کارگران بازنشسته شرکت واحد وارد میکند. کارگران خواستار پرداخت یک جا و کامل حق سنوات خود بر اساس آخرین حقوق و دستمزدشان هستند.

- روز شنبه ۱۴ تیر جمعی از مربیان پیش دبستانی که بعد از سال ۹۲ مشغول به کار شده اند با اعتراض به بلاتکلیفی استخدامی و نداشتن امنیت

شغلی خواهان جذب و استخدام در آموزش و پرورش شدند. این معلمان سالهاست که بصورت قراردادی در آموزش و پرورش کار میکنند. - روز پنج شنبه ۱۲ تیرماه، کارگران کارخانه چوب اسالم واقع در گیلان کیلومتر ۶۰ جاده انزلی به تالش در اعتراض به عدم پرداخت بموقع حقوق خود دست از کار کشیدند و در محوطه کارخانه تجمع کردند. بدنبال اعتراض این کارگران روابط عمومی شرکت صنایع چوب اسالم با صدور اطلاعیه ای از پرداخت حقوق کامل خردادماه کارگران تا پایان هفته آتی خبر داد. کارگران اعلام کرده اند که اگر مزد آنها بطور کامل پرداخت نشود، اعتراض خود را گسترده تر خواهند کرد.

تلخیصی از اطلاعیه های ۲۲ تا ۲۹ حزب در مورد اعتصاب شکوهمند هفت تپه

راهپیمای کارگران نیشکر هفت تپه در خیابانهای مرکزی شوش

حزب کمونیست کارگری ایران طی هفته گذشته ۸ اطلاعیه در رابطه با اعتصاب و مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه منتشر کرد که خلاصه ای از آن ها را اینجا نقل می کنیم.

روز چهارده تیر کارگران نیشکر هفت تپه همچون روزهای دیگر ابتدا مجمع عمومی خود را در مقابل فرمانداری شوش بر پا کردند و بعد با کف زدن و شعار دادن در خیابان های مرکزی شهر راهپیمایی کرده و مردم

منصور حکمت و کمونیسم...

برخورد کمونیسم غیر سیاسی به عرصه های دیگر مبارزه هم این متافیزیسم حاکم است.

یک نتیجه دیگر این نوع نگرش، محدود کردن مبارزه طبقاتی به صرفا مبارزه کارگران است. مبارزه طبقاتی محدود میشود به مبارزه کارگران برای مطالبات صنفی شان و یا حداکثر علیه دولت و کارفرمایان برای احقاق خواسته هایشان. در این دیدگاه مثلا مبارزه علیه مذهب و یا مبارزه زنان علیه تبعض جنسیتی امری طبقاتی نیست. گویا سلطه مذهب بر دولت و جامعه و یا ستمکشی زن به طبقات و به سلطه یک طبقه بر طبقه دیگر مربوط نیست. شکل فرموله شده و تئوریزه شده این تفکر تقسیم بندی مسائل و عرصه ها و مبارزات به دموکراتیک و سوسیالیستی است و آن مبارزاتی که دموکراتیک ارزیابی میشوند طبقاتی نیستند و یا اگر باشند اصلاح طلبانه و رفرمیستی و حاشیه ای اند و حداکثر میشود حمایت مشروط از آنها کرد و یا رگه های کمونیستی را در آنها تقویت کرد.

این علی العموم برخورد چپ غیر سیاسی به مبارزات جاری بخشهای مختلف جامعه است. در این دیدگاه کارگر اولاً فقط یک صنف تولید کننده است. گویا کارگر بعنوان زن یا بعنوان مهاجری فرد منسوب به ملیت و مذاهب مختلف و کلا بعنوان شهروند درد و مساله ای ندارد و در نتیجه ثانیاً مبارزه و اعتراض هم فقط به کارخانه محدود میشود. وقتی از این زاویه به مبارزات نگاه کنید مبارزه طبقاتی محدود

میشود به صد کوچکی از آن کشمکش عظیم طبقاتی که در جامعه جریان دارد.

بقول منصور حکمت کلمه مبارزه ترجمه خوبی برای لغت **struggle** که در انگلیسی برای مبارزه طبقاتی بکار میرود نیست. کشمکش یا تخصص و درگیری طبقاتی ترجمه مناسب تری است. این کشمکش هم در سطح فرهنگ و هنر و ادبیات و در فیلم و تئاتر و موزیک جریان دارد و هم در سیاست و اقتصاد و مسائل اجتماعی. این کشمکش طبقاتی تعطیل ناپذیر است و به آگاهی و وقوف افراد هم هیچ ربطی ندارد.

در برخورد کمونیسم مکتبی به اکتیویستها و فعالین جنبشهای اعتراضی و حق طلبانه نیز این برخورد ذهنی را میبینید. فعالین درگیر در یک حرکت اعتراضی را نه بر مبنای نقش و جایگاه عملی شان بلکه از نظر تعلق فکری عقیدتی شان می سنجند و قضاوت میکنند و خود آن حرکت نیز بر مبنای نظرات و اکتیویستهای ارزیابی میشود. در ذهنیت وارونه کمونیسم مکتبی اینکه یک حرکت و جنبش اعتراضی چه مضمونی دارد و چه خواستها و اهدافی را دنبال میکند کاملاً تحت الشعاع اینکه فعالینش چه عقاید و گرایشاتی دارند قرار میگیرد. کمونیسم غیر سیاسی همانطور که خود را بر مبنای عقاید و مواضع رادیکال و چپ میداند، جنبشها و حرکتیهای اعتراضی را نیز بر مبنای عقاید غیر کمونیستی فعالینش، غیر انقلابی و راست

و غیر قابل حمایت ارزیابی میکند. مبنای هردو برخورد ذهنی و مکتبی و بی ربط به واقعیت است. یکی از فاکتورهائی که باعث میشود کمونیسم فرقه ای کاملاً پاسیو باشد و صرفاً به مجموعه ای از نظرات و مواضع تنزل پیدا کند همین درک اسکولاستیکی و متافیزیکی از مبارزه طبقاتی و از فعالین در عرصه های مختلف این مبارزه است.

از نظر ما، از نظر کمونیسم سیاسی، مبارزه طبقاتی یک کشمکش هر روزه است که در تمام سطوح و روندها و تحولات فکری و اجتماعی و سیاسی، حتی در دعوای داخلی حکومتی ها و احزاب حکومتی در همه کشورها، میتواند ردپایش را ببینید. این تبیین جامع از مبارزه طبقاتی در تمامی آثار منصور حکمت، بویژه در "تفاوتهای ما" و در سمینار اول و دوم کمونیسم کارگری به روشنی مورد بحث قرار گرفته و توضیح داده شده است. بقول منصور حکمت حتی در فرهنگ و در هنر و ادبیات و در ارزشها و اخلاقیات و غیره می بینید که دو نگرش هست، دو تفکر هست، دو انتظار و توقع هست، دو رشته ارزشها و آمال و آرزوها هست که به یکی چپ اطلاق میکنیم و به دیگری راست و این بازتاب کشمکش طبقاتی بین دو طبقه اصلی جامعه در همه سطوح است.

این معنی واقعی و عینی مبارزه طبقاتی است. وقتی مارکس میگوید مبارزه طبقاتی تاریخ را میسازد منظورش این است و نه فقط آن مقاطعی که کارگر اعتصاب میکند و یا انقلابات در میگیرد. در مواقعی هم که ظاهراً همه چیز آرام است، در شرایطی که انقلابی و یا اعتراضات

اجتماعی چشمگیری هم وجود ندارد، تخصص طبقاتی تعطیل نمیشود. در هر حال آنچه تعیین کننده است و دولتها و دیکتاتورها و پارلمانها و ارگانهای حاکم در جامعه را وادار میکند این یا آن سیاست را اتخاذ کنند و این یا آن موضع را بگیرند کشمکشی است که بقول مارکس گاه پنهان گاه آشکار در جامعه جریان دارد. در دوران انقلاب یا وقتی جنبشهای اجتماعی عظیمی شکل میگیرند، مبارزه طبقاتی آشکار شده است. ولی در شرایط "آرام" هم مبارزه طبقاتی جریان دارد. این دید جامع از مبارزه طبقاتی نقطه شروع در دستور گذاشتن یک پراتیک وسیع برای کمونیستهاست.

کمونیسم پراتیک

کمونیسم سیاسی کمونیسم پراتیک است. سیاست، برخلاف تصور چپ مکتبی، فقط موضعگیری و اعلام مواضع نیست. فقط عقیده داشتن که چیزی خوب است و یا بد است و ابراز عقیده کردن و حتی تحلیل و بررسی کردن کافی نیست. این شاید برای آکادمیسینها، تاریخ نویسان، برای ناظرین تاریخ و کسانی که میخواهند تاریخ را قضاوت و ارزیابی کنند و یا برای نسلهای بعدی بنویسند و به میراث بگذارند، کافی باشد ولی برای کمونیسم سیاسی این فقط نقطه شروع است. عقیده ما، تبیین ما، درک ما و ارزیابی ما از تحولات و پدیده ها گام اول است و اهمیت تعیین کننده ای هم دارد ولی اگر همین جا متوقف بشویم کمونیست نیستیم. میتوانیم در سطح تبیین و تحلیل و نظر متوقف شویم و یک متفکر و تحلیلگر و یا یک هنرمند مارکسیست مطلع و باسوادی هم باشیم ولی سیاسی نیستید. در

مبارزه طبقاتی تفسیر دنیا بدرد کسی نمیخورد. بقول مارکس بحث بر سر تغییر دنیا است و نه تعبیر آن.

پراتیک در محور کمونیسم سیاسی قرار دارد. منصور حکمت به تبع مارکس کمونیسم کارگری را "ماتریالیسم پراتیک" مینامد. و در نوشته ها و سخنرانی های متعددی بر دخالتگری و عمل و پراتیک بعنوان یک رکن مهم کمونیسم کارگری تاکید میکند.

کمونیسم غیر سیاسی حتی جنبشها و احزاب و شاخه های مختلف کمونیسم را نه بر اساس جایگاه و نقش اجتماعی و عینی آنها بلکه بر مبنای عقاید و نظراتشان ارزیابی میکند. بعنوان مثال برخورد کمونیسم فرقه ای به شاخه های دیگر کمونیسم بورژوائی که در قرن بیستم، بخصوص بعد از انقلاب اکتبر، شکل گرفتند بر مبنای اعتقادات و مواضع و نظرات آنها بود. احزاب و نیروهای سیاسی بر مبنای اینکه مثلاً در قبال انقلاب اکتبر و کمونیسم روسی و یا مائوئیسم و تروتسکیسم و مشی چریکی و غیره چه موضعی داشتند قضاوت و طبقه بندی میشدند و نه بر اساس جنبشها و تحولات عینی که در آنها دخیل بودند. اینکه هر حزب یا نیروی سیاسی خودش چکاره بوده است، و در یک جنبش عینی و یا انقلاب و حرکت اعتراضی چه نقش و جایگاهی داشته است، اینها اصلاً مطرح نیست. هر سازمان و حزبی بر مبنای اینکه چقدر به موازینی که از نظر کمونیسم مکتبی جزو اصول است وفادار مانده یا نمانده است قضاوت میشود. معیارشان اینست که احزاب و نیروها چقدر از نظرات مارکس ادامه در صفحه ۱۱

از صفحه ۱۰

منصور حکمت و کمونیسم...

دور شدند و یا نشدند؛ رویزیونیسم بودند یا نبودند. درست مثل پیروان مذاهب که یکدیگر را به ارتداد و کفر و غیره متهم میکنند.

کمونیسم کارگری کلا مقوله رویزیونیسم را کنار میگذارد. منصور حکمت و کمونیسم او معتقد است اگر کسی بنام کمونیسم اهداف و آرمانهای غیرکارگری را دنبال میکند، در واقع لباس کمونیسم را برتن جنبش دیگری کرده است. مساله بر سر جنبشها با اهداف و آرمانهای مختلف است. پراتیک از همینجا وارد تحلیل کمونیسم کارگری میشود. وقتی به گرایشات و افرادی مثل استالین و استالینیسم و مائو و مائوئیسم و غیره میرسیم مساله این نیست که چه کسی مارکس را خوب فهمیده است یا نفهمیده است، بلکه بحث بر سر اینست که مکان عینی هر نیرو در مبارزه طبقاتی در آن مقطع چیست؟ به چه جنبشی متعلق است؟ چه هدف و آرمانی داشته است؟ به کجا میخواهد برود؟ تئوری بعدا وارد میشود. اینکه هر نیروی چطور خودش را توضیح میدهد و سیاستهایش را تئوریزه میکند یک بحث است و اینکه بطور عینی و واقعی چه نقشی ایفا میکند بحث دیگری است. اگر در حزبی، فرض کنید حزب کمونیست چین و یا حزب کمونیست شوروی، اختلافات نظری و یا فراکسیون و انشعاب و غیره شکل میگیرد به این خاطر است که پراتیکهای مختلفی را

بکوبد، چین را مستقل و صنعتی کند و به این هدف هم رسید. این جوهر مائوئیسم است. اگر به اسم مارکس صحبت میکند به این خاطر است که در آن دوره بعد از انقلاب اکتبر مارکسیسم و کمونیسم اعتبار و محبوبیت جهانی و توده ای داشته است ولی بطور عینی باید جایگاه مائو و مائوئیسم را با جنبش اش تشخیص و توضیح داد نه مثلا با کتاب درباره تضاد. کلا برای نقد و شناخت عمیق نظرات و تئوریهها و سیاستها باید ابتدا جنبش و پایه عینی و اجتماعی آنها را بازشناخت. از نظر پراتیکی هم جایگاه و نقش جنبشها تعیین کننده است. برای کمونیسم دخالتگر و پراتیک بحث از چه باید کرد شروع میشود و برای پاسخ به این سؤال باید جنبشها و حرکتیهای عینی اجتماعی را بشناسید و جایگاه خودتان را آنجا پیدا کنید.

قدرت سیاسی

فاکتور سوم در تمایز ما از کمونیسم غیرسیاسی که خود از دو فاکتور جامع و ابژکتیو دیدن مبارزه طبقاتی، و ماهیت عملی و پراتیکی و دخالتگرانه کمونیسم کارگری ناشی میشود، اهمیت و جایگاه کسب قدرت سیاسی است. هدف و استراتژی ما خلع ید سیاسی از بورژوازی و تصرف قدرت سیاسی است. برای رسیدن به این هدف هزار و یک کار باید کرد و در هزار و یک جنبش و اعتراض و اعتصاب و مبارزه باید شرکت و دخالت کرد. ولی در همه این فعالیتها امر و هدف استراتژیک یک حزب کمونیستی اینست که از بورژوازی خلع ید سیاسی

کند. این جوهر کمونیسم سیاسی و جوهر حزب است. منصور حکمت میگوید حزبی که تصرف قدرت سیاسی بر سیاستها و تاکتیکها و فعالیت های روزمره اش و بر تفکر و چشم اندازش ناظر نباشد و سیاستهایش معطوف به قدرت سیاسی نباشد حزب نیست بلکه حداکثر یک گروه فشار است. کمونیسمهای مکتبی در مورد قدرت سیاسی هم، مثل همه پدیده های دیگر، صرفا موضع معینی دارند. اساس موضعشان هم اینست که طبقه کارگر باید خودش قدرت را بگیرد. اینکه چطور و با چه شیوه ای باید این اتفاق بیافتد و نقش کمونیستها در این میان چیست و غیره معلوم نیست. درست است، طبقه کارگر باید قدرت را بگیرد ولی کمونیستی که خود را جزئی از جنبش طبقه کارگر برای تصرف قدرت سیاسی نمیبیند تنها طبقه را از قدرت دور میکند! قدرت سیاسی را به طبقه احاله میکنند و خودشان را بی وظیفه میکنند. بقول منصور حکمت تصرف قدرت سیاسی حلقه گذار از تعبیر دنیا به تعبیر دنیا است. کمونیسم غیر سیاسی که همه زندگی اش تعبیر و تفسیر است این حلقه را لازم ندارد.

اهمیت تعیین کننده مبارزه برای سرنگونی

معطوف و متمرکز بودن بر تصرف قدرت سیاسی در استراتژی و سیاستها و عملکرد هر روزه کمونیسم کارگری ما را به اهمیت محوری و تعیین کننده امر سرنگونی و مبارزه برای سرنگونی میرساند. یک وجه

مهم نظرات و نوشته ها و سمینارهای منصور حکمت باز شناسی و معرفی جنبش سرنگونی و خصوصیات آنست. نقد و مقابله بی امان با تز استحاله و نیروهای دو خردادی، تمرکز بر بی افقی و درماندگی و بحران و بن بست اقتصادی و سیاسی رژیم، نوشته هائی مثل رویاهای ممنوعه مجاهد، سناریوی سیاه و سناریوی سفید، و در یک سطح نظری عمیق تر و تئوریک تر، بحث تعیین کننده و کاملاً نو و راهگشای منصور حکمت در مورد خصلت سلبی انقلاب، همه نشان دهنده مبارزه بی امان کمونیسم منصور حکمت برای سرنگونی حکومت است. امر سرنگونی و تمرکز بر آن در واقع ترجمه سیاسی - عملی نظریه حزب و قدرت سیاسی و یک وجه تمایز مهم کمونیسم کارگری از گروههای فشار و فرقه های عقیدتی - مکتبی است.

نکته مهم دیگر اینکه سرنگونی بورژوازی در جغرافیای سیاسی معینی بعنوان کشور اتفاق میافتد. کشور فقط یک پدیده بورژوائی نیست. ملت - دولت ها بدنال انقلابات بورژوائی و با سلطه نظام کاپیتالیستی شکل گرفتند اما کشور در عین حال یک پدیده سیاسی طبقاتی و یک اقتصاد سیاسی معین و کنکرت است. شکل مشخص مبارزه طبقاتی کشوری است. سطح رشد نیروهای تولیدی، قوانین کار، تاریخچه و سابقه مبارزه طبقه کارگر، توازن قوا، سیاستها و عملکرد و ساختار مشخص دولتها و غیره و غیره همه کشوری تعیین میشود. از این

ادامه در صفحه ۱۲



اساس سوسیالیسم انسان است، سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است. منصور حکمت

منصور حکمت و کمونیسم...

رو کشمکشهای طبقاتی نیز خصلتی کشوری دارد. بورژوازی دنیا را به کشورها تقسیم کرده است و قدرت سیاسی را بعنوان نماینده ملت در یک جغرافیای سیاسی معین که کشور نامیده میشود در دست گرفته است. ما با دولتهای بورژوازی در کشورهای مشخص طرف هستیم. نمیتوان سازمان ملل را سرنگون کرد. نمیتوان امپریالیسم جهانی را سرنگون کرد. نمیتوان نئولیبرالیسم را سرنگون کرد. ولی میتوان و باید در هر کشوری بورژوازی را بزیر کشید.

کشور زمین فعالیت سیاسی است و اگر شما نمیخواهید فعالیت سیاسی بکنید بلکه میخواهید مثل چپ فرقه ای فقط موضع بگیرید دیگر کشور و مبارزه علیه دولت در یک کشور موضوعیت و اولویت و ویژگی ای برایتان ندارد. میتوانید علیه همه دولتها و علیه بورژوازی جهانی و علیه امپریالیسم باشید و علیه همه موضع بگیرید و مقاله بنویسید و خیلی هم احساس مجاهدت بکنید بی آنکه در هیچ عرصه و مبارزه معینی امر سرنگونی دولت معینی را دنبال کرده باشید. وقتی کشور و امر سرنگونی دولت در یک کشور معین را کنار بگذارید مبارزه دیگر امر کنکرتی نیست. یک امر ذهنی و انتزاعی است، علیه کاپیتالیسم علی العموم و علیه همه دولتها علی العموم است اما مشغول خلع ید از هیچ دولتی نیست! شما در چپ اروپا و چپ غرب هم این گرایش را مبینید. حتی نیروهای "رادیکال" چپ فرقه ای در رابطه با دولت خودی و

گرفتن قدرت سیاسی حرف چندان برای گفتن ندارند. مثلا در آلمان نیروهای چپی هستند که در رابطه با موضوعات مختلف مثل پناهندگان و محیط زیست و علیه راسیسم و غیره مواضع مترقی ای دارند. ولی خود دولت آلمان و کشمکش بر سر تصرف قدرت سیاسی در آلمان در دستور هیچ حزب و نیروی کمونیستی در آن کشور نیست. کمونیستهای مکتبی درگیر مبارزه برای تصرف قدرت سیاسی در هیچ کشوری نیستند. این را سپرده اند به احزاب حکومتی و حداکثر بعنوان گروه فشاری بر آنها عمل میکنند. خودشان برای رسیدن بقدرت نه نقشه عملی دارند و نه استراتژی ای و نه فعالیت معینی.

رادیکالیسم کمونیستی یعنی با تمام قدرت علیه دولت خودی، علیه دولت کاپیتالیستی در یک کشور. زمانی لنین در دل جنگ جهانی اول و در برابر سوسیال شونیستهای انترناسیونال دوم فراخوان داد که تمام تفنگها بطرف دولت خودی. خیلی از نیروهای انترناسیونال دوم از جمله سوسیال دمکراسی آلمان این شعار را قبول نکردند و بلشویکها محور شدند انترناسیونال دو را ترک کنند. ولی نهایتا همین خط و جهت گیری بود که به انقلاب اکتبر و پیروزی بلشویکها منجر شد. لنین خودش صاحب این تئوری بود که جنگ جهانی جنگی بین قدرتهای امپریالیستی برای تقسیم جهان است اما از اینجا به این نتیجه نرسید که باید علیه همه امپریالیستها و علیه

جنگ امپریالیستی علی العموم مبارزه کرد. این فقط میتوانست یک موضعگیری ظاهرا رادیکال اما عملا پاسیویستی باشد. فراخوان لنین این بود که کارگران و کمونیستها در هر کشور علیه دولت خودشان بلند بشوند و به جنگ جهانی اول به این شکل پایان بدهند. تنها به این شکل میشد نه تنها جنگ را تمام کرد بلکه به سلطه سرمایه داری در کشورهای درگیر درجنگ پایان داد. به نظر من این فراخوان و شعار همه تفنگها بطرف دولت خودی فقط به دوران جنگ محدود نمیشود بلکه همیشه معتبر است. به معنی تحت الفظی مختص دوران جنگی است ولی به معنی استعاره ای و عمومی تر درباره همه دوره ها صادق است. کمونیسم سیاسی اگر میخواهد در مبارزه طبقاتی علیه بورژوازی نقش ایفا کند اولین وظیفه اش و استراتژی و فلسفه وجودی اش و حزبیت اش اینست که برای خلع ید از بورژوازی در یک کشور معین بجنگد. همه تفنگها به طرف دولت خودی.

انترناسیونالیسم

کمونیستی نیز یعنی همکاری و هماهنگی و حمایت احزاب کمونیست از یکدیگر برای تصرف قدرت سیاسی در هر کشور. بورژوازی یک دولت جهانی ندارد. بالاخره باید دولتهای معینی در کشورهای معینی را بزیر کشید. این آرایش سیاسی است که بورژوازی به جهان داده است و پرولتاریا باید در همین

آرایش سیاسی بجنگد تا بتواند پیروز بشود.

بعنوان جمع بندی

کمونیسم سیاسی یک وجه تمایز مهم ما از کمونیسم ایدئولوژیک و فرقه ای را بیان میکند. همانطور که کمونیسم کارگری بیانگر تفاوت ما از کمونیسمهای بورژوازی است. کمونیسم غیر سیاسی شاخه ای از کمونیسم غیر کارگری است که ویژگی اش محدود ماندن به موضعگیری و برخورد ایدئولوژیک و اسکولاستیک به واقعیات و تحولات است.

تلفی این نیروها از مبارزه طبقاتی کاملا غیر واقعی و متافیزیکی است، پراتیک برای این نیروها نقش و جایگاهی ندارد و بطریق اولی قدرت سیاسی و کسب قدرت هم نقش و جایگاهی ندارد. کمونیسمی که مجموعه ای از نظرات و مرزبندیها است، ممکن است حتی تبیین و تفسیر درستی از پدیده ها و تحولات داشته باشد ولی دخالتگری عملی ای به منظور تغییر شرایط موجود در قاموس اش نیست. ناظری است که از پنجره به صحنه نگاه میکند و در بهترین حالت بعنوان داور مبارزه ظاهر میشود.

برای کمونیسم مکتبی اینکه مبارزه طبقاتی به کجا میرود و به چه نتیجه ای میرسد و تاریخ چه روندی پیدا میکند و مهمتر از همه چه باید کرد که روند تحولات به نفع طبقه کارگر و در جهت اهداف انسانی کمونیستها باشد اصولا مطرح نیست.

دغدغه او ایدئولوژی و مرزبندی و موضع گیری است.

برای کمونیسم کارگری بر عکس مبارزه طبقاتی کشمکش بیوقفه ای است بین طبقات که صرفا به سیاست و اقتصاد محدود نمیشود و فقط هم مبارزه کارگر علیه سرمایه دار نیست بلکه در عرصه های مختلف بخشهای مختلف جامعه به جنب و جوش می افتند و یک کشمکش طبقاتی همیشه جریان دارد که حتی درگیری در میان خود طبقه حاکمه بازتابی از آن است.

برای ما مساله چه باید کرد اساس کار است نه صرفا چه باید گفت و یا چه نباید کرد. وقتی از پراتیک حرکت کنید فوراً کشور بعنوان شکل کنکرت مبارزه طبقاتی در سیاستهای شما برجسته میشود و تصرف قدرت سیاسی و مبارزه برای سرنگونی حکومت در هر کشور جایگاه تعیین کننده ای پیدا میکند.

منصور حکمت تئوریسین و پراتیسین این نظرات بود و بعد از فروپاشی شوری این پرچم را بلند کرد بخاطر اینکه دیگر دوران کمونیسمهای غیر کارگری تماما سپری شده بود. من در سمینارهای دیگر جنبه های دیگری از نظرات منصور حکمت و ویژگی های کمونیسم او را توضیح دادم. ولی در این بحث خواستم صرفا به خصلت سیاسی کمونیسم منصور حکمت در تمایز با کمونیسمهای فرقه ای و ایدئولوژیک پردازم. امیدوارم بحث روشن باشد.*



از صفحه ۷

دور جدید اعتراضات ...

وسیع مردم بوده است. بازنشستگان در این زمینه پیشتاز بوده اند و باید از تجربیات آنها آموخت. همین امروز نیز بازنشستگان در عین حالیکه به تدارک تجمع اعتراضی خود برای روز ۲۵ تیر میروند، سازشکاریها و تصمیم گیری ها از بالای سر بازنشسته را برملا کرده و جلوی تفرقه افکنی ها ایستاده اند. یک مثال بارز آن ماجرای ملاقات

تجمع برای ۲۵ تیر را به روز تامین اجتماعی حکومتی و بندهای قانون اساسی ضد کارگری و ضد انسانی رژیم وصل کنند تا رنگ حکومتی به اعتراض آنان بزنند. اما پاسخ بازنشستگان اینست که بازنشسته با تامین اجتماعی جمهوری اسلامی طرف است و اگر ۲۵ تیر روز تامین اجتماعی است، جمع میشود تا کیفرخواست خود را علیه این همه بی تامینی اعلام کند و حرفش اینست که دولت در قبال معیشت و زندگی بازنشسته مسئول است. نکته مهم پایانی اینست که

فشار معیشتی امروز که بر گرده کل جامعه و بطور مشخص بازنشستگان هر روزه وارد میشود، بیش از هر وقت بر وظیفه دولت مبنی بر تامین معیشت همگانی مردم تاکید میگذارد. همانطور که قبلا هم تاکید کرده ایم دولت موظف به پرداخت حقوق پایه به همه افرادی است که درآمدی ندارند و یا کم درآمد هستند. و این حقوق پایه باید بتواند نیازهای اساسی زندگی یک فرد که مسکن و درمان را هم در بر میگیرد، تامین کند. بازنشستگان آن بخش از مردمی هستند که بدلیل

سطح نازل درآمدها و داشتن مشکل مسکن و درمان در لیست اول دریافت کنندگان چنین حقوقی قرار میگیرند. مهم است که پرداخت حقوق پایه همگانی به لیست خواستها و مطالبات بازنشستگان اضافه شود. به این معنا که سقف مستمری آنها باید فوراً به بالای خط فقر ۹ میلیون برسد و از درمان رایگان و مسکن مناسب برخوردار شوند. از خواستها و مبارزات بازنشستگان باید وسیعاً حمایت کرد.*

راهپیمایی کارگران نیشکر هفت تپه در خیابانهای مرکزی شوش

را به حمایت از اعتراض خود فرا میخواندند. خواست فوری این کارگران پرداخت حقوقهای معوقه که از آغاز سال جاری پرداخت نشده و تمدید دفتر چه های بیمه شان است. نپرداختن دستمزدها آنهم در شرایط هزینه های بالای زندگی و گرانی روز افزون و از جمله افزایش سرسام آور مسکن فشار سنگینی بر گرده کارگران وارد کرده است. کارگران با خشم و اعتراض دارند از گرسنگی و از اینکه این کشور بر روی دریایی از نفت و ثروت قرار دارد سخن میگویند و حق و حقوقشان را میخواهند.

روز ۱۶ تیر تعداد بسیاری از کارگران نیشکر هفت تپه در ادامه اعتصاب قدرتمند خود در مقابل درب فرمانداری تجمع کرده و با کف زدن و شعار دهی به سوی بازار شوش راهپیمایی کردند. در این حرکت اعتراضی کارگران با شعارهایی چون "استاندار جرنکی نمیخوایم، نمیخوایم"، "کارگر هفت تپه ایم، گرسنه ایم، گرسنه ایم" خشم و

حاضر شدند و این میتواند مقدمه ورود خانواده ها به این اعتراضات باشد.

نشست مسئولین حکومتی و اعلام وعده ها و تهدیدات در مورد کارگران

روز چهارشنبه ۱۸ تیر شهر شوش بار دیگر به صحنه اعتراض و راهپیمایی کارگران نیشکر هفت تپه تبدیل شد. یک اتفاق مهم در این اعتصاب ۲۴ روزه، وارد شدن خانواده ها است. خانواده ها که فشار معیشتی مستقیماً بر دوششان است همواره همراه کارگران نیشکر هفت تپه بوده اند و نقش مهمی در مبارزات چند ساله اخیر در نیشکر هفت تپه و ابعاد اجتماعی آن داشته اند. در روز گذشته تعدادی از خانواده ها در مقابل فرمانداری در جمع کارگران حاضر شدند و این میتواند مقدمه ورود خانواده ها به این اعتراضات باشد.

بیش از ۵ هزار کارگر نیشکر هفت تپه از ۲۶ خرداد در اعتصاب بسر میبرند و از آغاز سال جاری دستمزد خود را نگرفته و بدلیل پرداخت نشدن حق بیمه شان با مشکل تمدید دفتر چه های بیمه خود و استفاده از همان

حداقل امکانات درمانی روبرو هستند. این قلدری و زورگویی مدیران شرکت عملاً با چراغ سبز مسئولین حکومتی همراه است. علیرغم بیست و دو روز اعتصاب تا کنون فقط دستمزد فروردین ماه بخش کوچکی از کارگران پرداخت شده است. باندهای حکومت و مدیریت تلاش میکنند در صفوف کارگران تفرقه ایجاد کنند اما کارگران متحدانه به مبارزه خود ادامه میدهند.

کارگران نیشکر هفت تپه به اینکه سه ماه است مزدی نگرفته اند و کوچکترین قدمی در جهت پرداخت طلبهایشان برداشته نشده اعتراض دارند. کارگران میگویند چرا باید تا مرداد و پایان آن صبر کنند که سه ماه طلب مزدی شان پرداخت شود و با وجود موج دوم بیماری مرگبار کرونا همچنان با معضل تمدید دفترچه های بیمه شان روبرو باشند. بعلاوه اینکه مساله کارگران فقط دستمزد نیست.

بازگشت به کار اسماعیل بخشی و دیگر همکاران اخراجی، مساله بقای فعالیت شرکت هفت تپه و شغل و

معیشتشان نیز بخش مهمی از خواستهای آنهاست. کارگران نیشکر هفت تپه خواستار متوقف شدن فروش زمین های هفت تپه، کوتاه شدن دست بخش خصوصی چپاولگر و بازگرداندن یوله های به سرقت رفته به این کارخانه هستند. کارگران با برملا شدن دوباره همدستی شوراهای اسلامی با باند مافیایی هفت تپه و تعهدشان برای خاتمه دادن به اعتراض در هفت تپه، بر کوتاه شدن دست این ابزار سرکوب حکومتی در کارخانه تاکید دارند.

حزب کمونیست کارگری ضمن اعلام حمایت از مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه همچنان بر انکای مبارزات این کارگران بر مجمع عمومی و شورایی تصمیم گرفتن، شرکت گسترده تر خانواده های کارگران در اعتراضات و حمایت وسیعتر مردمی از این اعتراضات تاکید دارد.

پیش بسوی

اعتصابات سراسری

حزب کمونیست

کارگری ایران

۱۸ تیر ۱۳۹۹

آزادی برابری حکومت کارگری

IRAN.COM
FACEBOOK:HTTP://
FACEBOOK.COM/
ICAERAN
Tel: oo4673789650
--
Mina Ahadi
ID Gmail:
minaahadi26@gmail.com
m
minaahadi-
iran.blogspot.co.uk
stopstonningnow.com
notonemoreexecution.org
ex-muslime.de
Facebook:
mina.ahadi.50
Tel: 0049 (0)
1775692413

www.facebook.com/icaeriran/videos/736183270289551/?notif_id=1594067530864947¬if_t=live_video_schedule_broadcaster&ef=notif
نه به اعدام - No Execution
نه به اعدام - No Execution plans to go live.
کمیته بین المللی علیه اعدام
INTERNATIONAL COMMITTEE AGAINST EXECUTION
I.C.A.E.I.R.@GMAIL.COM
SKYP:ICAERAN
SITE: ICAE -

https://www.facebook.com/icaeriran/videos/736183270289551/?notif_id=1594067530864947¬if_t=live_video_schedule_broadcaster&ef=notif
لینک مشاهده اینترنتی از طریق اپلیکیشن: GLWIZ
<https://www.glwiz.com/Pages/Player/Player.aspx>
برای مشاهده برنامه از تلویزیون کانال جدید از طریق اینترنت لطفا روی لینک زیر فشار دهید و KANAL JADID یعنی کانال 178 را انتخاب کنید
Facebook (<https://www.facebook.com/icaeriran>)

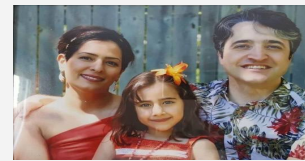
برنامه ای بمناسبت ۱۱ ژوئیه روز جهانی علیه سنگسار

زمان پخش برنامه: شنبه ۱۱ ژوئیه ساعت ۱۸:۳۰ به وقت اروپای مرکزی و ساعت ۲۱:۰۰ به وقت تهران
لینک صفحه یوتوب کمیته بین المللی علیه اعدام:
https://www.youtube.com/channel/UC79j2b_BAE_vHtXeU12rgoQ
لینک مستقیم ورود به برنامه از طریق صفحه فیس بوک کمیته بین المللی علیه اعدام:

این برنامه شامل پیام های گوناگون از شخصیت های درگیر در مبارزه برای لغو عملی سنگسار در ایران و همچنین گزارشات تصویری از تاریخ این روز به همراه گزارشی از بزرگترین کمپین علیه سنگسار یعنی کمپین نجات جان سکینه محمدی آشتیانی خواهد بود. این برنامه بطور زنده از شبکه های اجتماعی و همچنین کانال جدید پخش خواهد شد. برای دیدن این برنامه در یوتوب، فیس بوک می توانید به لینک های زیر مراجعه کنید.

آخرین نوشته حامد اسماعیون

برگرفته از فیس بوک ح ا



شش ماه گذشته. جز کار دندونپزشکی که هنوز می تونم انجام بدم چون نزدیک به بیست سال انجامش داده ام و مثل حافظه ی روبات خدشه ناپذیر مونده بقیه ی توانایی هام رو از دست داده ام. مهم تر از همه حافظه ست. حافظه م مخدوش و منهدم شده. آدمی که تو عمرش صدها کتاب خنده هیچکدوم رو به یاد نیاره. جلوی کتابخونه اش می ایسته و می بیند دیگه هیچکدوم از این کتابا و فیلما رو دوست نداره. حتا دوست نداره به داستانی که خودش نوشته نگاه کنی بندازه. آدمی که هر روز مرتب نوشته نه می تونه از کلمات استفاده کنه نه می تونه اونا رو کنار هم بچینه. یه آدم بی فایده.

گاهی اوقات در طول روز

نفسم به شماره می افته. صبحها شاید بدترین وقتش باشه که از یه کابوس بیدار می شم. خواب می بینم ری را برگشته و روی آینه ی اتاقش با مازیک قرمز نوشته "چرا بابا؟" پس مثل دیوونه ها بیدار می شم و می رم به اتاقش، چراغ رو روشن می کنم و می بینم جز چن تا مجله ی تانخورده و باز نشده ی فرانسه هیچی اونجا نیست. یا خواب می بینم با پرپسا از این دکتر به اون دکتر می ریم چون یه دختری داریم که چشم نداره. خوشحالیم که زنده ست اما می بینم هیچ اثری از چشم تو صورتش نیست. صبح بیدار می شم و در سکوت به سقف نیگا می کنم.

شش ماه گذشته. هیات مدیره ی انجمن خانواده ها انتخاب شده منم شده

فقط موندم در جایی که پرپسا ساخته بود کار کنم. مریضای مطبش رو ببینم. نیمه وقت، با پای لنگان، با ذهن نا آرام. اما گاهی به خودم می گم آگه حتا بتونی جلوی مردن یه بی گناه دیگه رو هم بگیری خیلیه. آگه بتونی به دنیا نشون بدی چطور یه جنایت می تونه مثل یه حفره ی لرح مکنده همه ی خوشی رو تو خودش بکشه شاید کافی باشه. این جور می شه که بعد از شیش ماه هنوز زنده مونددم و هنوز صبحا چشمام به این دنیای کثیف باز می شه.

شیش ماه گذشته. شب که تو تراس می شینم به این درختا خیره می شم و منتظرم اولین دونه های برف پایین بیاد. از بین برگای سبز و تازه دونه های سفید باشه که می ریزه پایین. یعنی می شه؟ یعنی امکانش هست؟ اکتبر عزیز چقدر باید منتظرت بمونم؟ زودتر خودت رو نشون بده. 5 جولای 2020

#دادخواهی
#همسران752

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سر دبیر: شهاب بهرامی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: مراد شیخی

ایمیل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه منتشر میشود

www.anternasional.com